

Analyzing the Historical Course of the Opinions of Commentators about the Pillarless Skies in the Second Verse of Surah Ra'd

Abdullah Mirahmadi *

Assistant Professor of Quranic and Hadith Sciences,
Kharazmi University, Tehran, Iran

Mahin Taebi 

Fourth Level Student in Comparative Interpretation,
Rafia Al-Mustafa Seminary, Tehran, Iran

Accepted: 10/12/2022

Abstract

The verses of the Qur'an have doctrinal, moral, and biological sciences. There are theories in the verses of the creation of the heavens and the earth, etc., which are part of the monotheism of actions. For example, the second verse of Surah Ra'd refers to keeping the sky without pillars. Studies show that historians have three views on the verse: 1- Some people consider the verse as a sign of the oneness of God in the Lordship. 2. Some believe that the verse reveals a scientific truth that is the force of attraction and repulsion. This view is based on the method of scientific interpretation. 3- Some people consider the meaning of the verse to be the oneness of the Lord and the master of the universe and believe that no creation or thing is without reference to God. This research has chosen the best opinion through library method and content analysis while analyzing the historical course of opinions and presenting the opinions of commentators and late scholars, and that is the monotheistic fact that divine power is above all causes, keeping the heavens without pillars. For God, it is an easy task and God has created the force of gravity and repulsion.

Received: 01/12/2021

eISSN: 2476-6070


Keywords: sky, pillars, attraction and repulsion, the second verse of Surah Raad, divine power.

ISSN: 2228-6616


* Corresponding Author: mirahmadi_a@khu.ac.ir

How to Cite: Mirahmadi, A., Taebi, M. (2021). Analyzing the Historical Course of the Opinions of Commentators about the Pillarless Skies in the Second Verse of Surah Ra'd, *Journal of Seraje Monir*, 12(43), 147-175.

واکاوی سیر تاریخی دیدگاه‌های مفسران پیرامون آسمان‌های بی ستون در آیه دوم سوره رعد

عبدالله میراحمدی  *

استادیار علوم قرآن و حدیث، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

مهین تائبی 

دانش‌پژوه سطح چهار تفسیر تطبیقی، حوزه علمیه رفیعه المصطفی، تهران،
ایران

چکیده

آیات قرآن دارای موضوعات اعتقادی، اخلاقی، علوم زیستی است. در آیات آفرینش آسمان و زمین و غیره که جزو توحید افعالی است، نظریه‌هایی وجود دارد. از جمله: آیه دوم سوره رعد به نگهداری آسمان بدون ستون، اشاره می‌کند. بررسی‌ها نشان می‌دهد از نظر تاریخی مفسران در خصوص آیه یادشده سه دیدگاه دارند: ۱- عده‌ای آیه را دلالتی بر وحدانیت خداوند در ربوبیت می‌دانند. ۲- گروهی معتقدند آیه از یک حقیقت علمی پرده برداشته که نیروی جاذبه و دافعه است. این دیدگاه بر مبنای روش تفسیر علمی استوار است. ۳- عده‌ای وجه دلالت آیه را وحدانیت رب و مدبر عالم می‌دانند و معتقدند هیچ خلق و امری بدون استناد به خداوند نبوده، سنت اسباب در تمامی عالم جریان دارد، خداوند بر صراط مستقیم است. این پژوهش به روش کتابخانه‌ای و تحلیل محتوا ضمن واکاوی سیر تاریخی آراء و اراء نظرات مفسران و دانشمندان متأخر، نظر برتر را برگزیده است و آن عبارت است از این حقیقت توحیدی که قدرت الهی برتر از همه اسباب بوده، نگه‌داشتن آسمان‌های بدون ستون، برای خداوند، کاری سهل و خداوند نیروی جاذبه و دافعه را آفریده است.

کلیدواژه‌ها: سماء، عمد، جاذبه و دافعه، آیه دوم سوره رعد، قدرت الهی.

۱- مقدمه

در گذر تاریخ همچنان برای مفسران و دانشمندان این پرسش مطرح بوده و هست که این کواکب، سیارات و ستارگان چگونه در مدار خود با نظم خاصی در حرکت بوده و هیچ‌گونه خللی به‌نظام آن‌ها وارد نشده است و چه نیرویی آن‌ها را در فضا نگه‌داشته است؟ اندیشمندان اسلامی توحید را به چهار قسمت تقسیم می‌کنند که یکی از این چهار قسم توحید افعالی است. خداوند آسمان‌ها و سیارات و ستارگان را به‌گونه‌ای آفریده است که دائماً چنین پرسش‌هایی ذهن او را درگیر می‌کند. آدمی هنگامی که شب به آسمان می‌نگرد و تعداد بی‌شماری از این مواهب الهی، چشمان او را نوازش می‌دهد آرزو می‌کند که می‌توانست در دل آسمان سفر کرده راز آن را دریابد. شاید روزی انسان با پیشرفت علم به آرزویش دست یابد. این سیر فکری ما را بر آن داشت تا از دلایل نقلی، عقلی و علمی (نیروی جاذبه و دافعه) خصوصاً از آیه ۲ سوره رعد پی به این اسرار ببریم. در این مجموعه از نظرات دانشمندان و مفسران فریقین در این زمینه بهره‌جسته‌ایم تا به راز این پدیده با توفیق الهی دست یابیم.

طرح مسئله

با تدبر در قرآن به آیاتی برمی‌خوریم که اشاره دارد به این که قرآن برای هدایت بشر نازل شده، از هیچ‌چیز فروگذار نکرده و همه‌چیز را بیان نموده است؛ مانند:

«ان هذا القرآن یهدی للتی هی اقوم». (اسراء / ۹) «ما فرطنا فی الکتاب من شیء». (انعام / ۳۸) «ونزلنا علیک الکتاب تبیاناً لکل شیء». (نحل / ۸۹) که اشاره به توحید افعالی دارد. همان‌طور که خداوند در ذاتش شریکی ندارد در فاعلیت هم شریک ندارد، هر فعل بنده، اراده و فعل خداست (مطهری، ۱۳۷۷: ۲/ ۱۰۳) عمرو بن قیس از امام باقر علیه‌السلام نقل می‌کند که می‌فرماید خداوند از هیچ‌چیز که مسلمانان تا روز قیامت به آن نیاز داشته‌اند فروگذار نکرده، مگر اینکه آن را در قرآن فرو فرستاده و برای رسول خود بیان کرده است. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۰/ ۱۴۴)

از سوی دیگر تأمل در قرآن نشان می‌دهد آیات متعددی در ارتباط با چگونگی

آفرینش آسمان و زمین، آمده است. (ر.ک: بقره/۲۹؛ اعراف/۵۴؛ یونس/۳؛ هود/۷؛ انبیاء/۳۰؛ حدید/۴؛ ق/۳۸؛ نازعات/۳۰) یکی از این آیات، فقره ابتدایی آیه دوم سوره رعد است: «اللَّهُ الَّذِي رَفَعَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُّسَمًّى يُدَبِّرُ الْأَمْرَ يُفَصِّلُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ بِلِقَاءِ رَبِّكُمْ تُوقِنُونَ».

ترجمه فقره اول آیه شریفه یادشده چنین است: خداوند آسمان‌ها را بدون ستونی که ببینید، برافراشته است. آنچه از بررسی آراء مفسران در خصوص تفسیر این آیه به دست می‌آید، نشان می‌دهد که عبارت «بغیر عمد ترونها» و اساساً مشرب تفسیری مفسران در ادوار گذشته، موجب پدیدار شدن آرای گوناگون گشته، تفاوت‌هایی را در نحوه تفسیر این آیه ایجاد کرده است. در این بررسی‌ها سؤالاتی از قرار زیر قابل طرح است که به نظر می‌رسد پاسخ به آن‌ها می‌تواند مفید فایده باشد و پرده از حقایق قرآنی بردارد، واژه‌هایی مانند «سما» و «عمد» چه معنا یا معانی دارد؟ خداوند باری تعالی از انزال آیه دوم سوره رعد و آیاتی نظیر آن (که به نظر می‌رسد در بردارنده نکات و قوانین علمی است) چه هدفی داشته است؟ وجه دلالت آیه و مفهوم جمله «بغیر عمد ترونها» در این آیه چیست؟ مفسران متقدم و متأخر چه آرای ارائه کرده‌اند؟ آیا منظور از برافراشتن آسمان‌ها بدون ستون‌هایی که دیده شوند، این است که اساساً ستونی وجود ندارد یا ستون‌هایی وجود دارد ولی برای بشر قابل مشاهده نیست؟ عبارت (آسمان‌های بی ستون) در عنوان پژوهش حاضر ناظر به عبارت به کاررفته در آیه شریفه یادشده «بغیر عمد ترونها» است.

بررسی‌ها حاکی از آن است که برخی مفسران پیرو نظر اول و برخی با توجه به کشف قانون جاذبه و دافعه و بالطبع از نظر زمانی (تاریخی) پس از آن، به نظر دوم گرایش یافته‌اند و برخی قائل به نظر سوم هستند. در این پژوهش سعی بر این است که آرای سه‌گانه مفسران متقدم و متأخر با روش مطالعات کتابخانه‌ای بررسی و واکاوی شود و نظر برتر با دلایل و شواهد قرآنی ارائه گردد. گفتنی است که پژوهش حاضر طبق بررسی‌های به‌عمل‌آمده، در نوع خود بدیع و تازه است. با این حال، برخی صاحب‌نظران صرفاً با رویکردی علمی و از منظر تجربی با توجه به دیدگاه اندیشمندان غربی علم فیزیک به آیه

واکاوی سیر تاریخی دیدگاه‌های مفسران پیرامون آسمان‌های بی ستون در ...؛ میراحمدی و تائبی | ۱۵۱

دوم سورهٔ رعد پرداخته‌اند. این پژوهش‌ها به نوعی در راستای اثبات اعجاز علمی قرآن و تطبیق داده‌های علم تجربی با قرآن مفید هستند و رویکرد تاریخ‌نگارانه و سیر تطور تفاسیر اسلامی کمتر نمود دارد. شاخص‌ترین پژوهش‌ها در این زمینه عبارتند از:

مقالهٔ «نیروهای بنیادین حافظ نظام کیهانی در قرآن» اثر سید عیسی مسترحمی، مجله قرآن و علم، شماره ۱۹، پاییز و زمستان ۱۳۹۵. نویسنده در این پژوهش، ضمن اشاره به اسرار علمی نیروهای بنیادین در برافراشتن آسمان‌ها، به صورت اختصار و بدون توجه به سیر تاریخی به دیدگاه‌های تفاسیر پرداخته است. در نهایت نیز با تأثیرپذیری از دیدگاه آقای رضایی اصفهانی بر این باور است که جمع بودن واژهٔ «عمد» می‌تواند اشاره به نیروهای دیگری نیز باشد که تاکنون کشف نشده است. از این روی برخلاف تفاسیر معاصر بر این باور است که منحصر کردن «عمد» در نیروی جاذبه یا چند نیوری محدود دیگر صحیح به نظر نمی‌رسد. (مسترحمی، ۱۳۹۵: ۱۲۵)

مقالهٔ «تفسیر علمی (بغیر عمد ترونها) دربارهٔ «رفع» و «خلق» آسمان‌ها در قرآن» نگاشتهٔ فرزانه روحانی مشهدی، علیرضا طالب‌پور و اعظم ذبیحی، مجله مطالعات تفسیری، شماره ۳۸، تابستان ۱۳۹۸. در این پژوهش نیز تمرکز ویژه بر دیدگاه‌های فیزیکدانان و برخی تفاسیر و منابع اسلامی بوده است. نویسندگان بر واژهٔ «رفع» و «خلق» در آیهٔ ۲ رعد و ۱۰ لقمان متمرکز شده‌اند. از نظر آن‌ها، دو واژهٔ فوق دربارهٔ آسمان‌ها با توجه به مفهوم سماوات که کل عالم شهود است به تقیید جهان به زمان و مکان اشاره دارد. همچنین با بهره‌گیری از «اصل ماخ» مراد از رفعت آسمان‌ها عبارت است از: ایجاد آسمان و گسترش آن با پیدایش زمین و کرات دیگر به عنوان جرم و معنا یافتن فضا بر اثر جرم زمین و کرات دیگر. (روحانی مشهدی، طالب‌پور و ذبیحی، ۱۳۹۸: ۱۰۴-۱۰۵)

واژه‌شناسی

در این بخش واژه‌های عمد و سماء بررسی می‌شود.

عمد: راغب در مفردات می‌گوید: «عمود» چیزی است که خیمه به آن تکیه دارد و می‌ایستد و جمع آن، هم «عمد» - به ضم عین و میم - می‌آید و هم «عمد» به فتح عین و

میم- و در آیه «فِي عَمَدٍ مُمَدَّدَةٍ» عمد هم قرائت کرده‌اند و نیز در قرآن کریم آمده: «بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرْوَنَّهُا» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق: ماده عمد) و در روح المعانی آمده است. (آلوسی، ۱۴۱۵: ۸۶/۱) عمد- به دو فتحه- اسم جمع عماد است نه جمع.

سما: کلمه «سما» و مشتقات آن که سیصد و ده بار در قرآن کریم به کار رفته است، مفهوم جامعی است که مصادیق و معانی متعددی از آن اراده می‌شود؛ و لذا در لغت، علم و قرآن با مقاصد و معانی متفاوتی بکار رفته است:

الف: «سما» در لغت: از ریشه «سمو» (به معنای بلندی) است و اصل آن از آرامی و سریانی و عبری (شیمیا) است (مصطفوی، ۱۳۸۰: ۲۵۴)، به معنای بالا و برتر (فوق) است. آسمان هر چیزی، بالای آن چیز را گویند؛ و حتی برخی لغویین ادعا کرده‌اند هر بالایی نسبت به پایین آن آسمان و هر پایین نسبت به بالای آن زمین است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق: ماده سما)

ب: آسمان در فیزیک: پدیده‌ای نابوده (معدوم) و گنبدنما که زمینه پدید آمدن سیارات و ستارگان است. (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۱: ۱۴۲)

ج: سما در قرآن: کلمه «سما» در قرآن به صورت مفرد (السما - سما) و جمع (سموات - السموات) بیش از سیصد مرتبه به کار رفته است. ولی در همه موارد به یک معنا و در یک مصداق بکار نرفته است. به طور کلی آسمان در قرآن در دو مفهوم مادی (حسی) و معنوی آمده است. برخی از موارد آن عبارتند از:

۱- آسمان (سما) در معنای بالا (جهت بالا): این معنا موافق معنای لغوی آسمان است. (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۳۹۸) مانند: «اصلها ثابت و فرعها فی السماء». (ابراهیم/ ۲۴) این معنا را برخی از مفسران معاصر آورده‌اند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱/ ۱۶۵-۱۶۷) ولی برخی دیگر از صاحب نظران برآیند که این معنا به صورت مجازی یا مسامحه در قرآن به کار رفته است (مصباح یزدی، ۱۳۹۱: ۲۳۴) چرا که فوق (جهت بالا) جمع بسته نمی‌شود، مثلاً: «سبع سموات» نمی‌تواند به این معنا باشد.

۲- آسمان به معنای جو اطراف زمین یعنی جایی که ابرها قرار گرفته‌اند و هوا در آن

واکاوی سیر تاریخی دیدگاه‌های مفسران پیرامون آسمان‌های بی ستون در ...؛ میراحمدی و تائبی | ۱۵۳

است. مثال: «و نزلنا من السماء ماءً مبارکاً» (ق / ۹) آسمان به معنای مکان سیارات و ستارگان، مثال: «تبارک الذی جعل فی السماء بروجاً و جعل فیها سراجاً و قمراً منیراً» (فرقان / ۶۱)

۳- آسمان به معنای مقام قرب و مقام حضور که محل تدبیر امور عالم است. برخی از مفسران مثل علامه طباطبائی در موارد متعدد «سما» را به این معنا ارجاع داده است. (طباطبائی، ۱۴۱۷: ۱۶-۱۹ / ۲۴۷ و ۳۲۷) مثال: «یدبر الامر من السماء الی الارض» (سجده / ۵)

۴- آسمان به معنای موجود عالی و حقیقی: برخی از صاحب نظران بر آنند که آسمان در قرآن همان گونه که به معنای آسمان مادی به کار رفته است، مانند: «سموات سبع» در معنای علو مرتبه وجود و موجود عالی نیز بکار رفته است که همان سما معنوی و عالم فوق ماده است که همه هستی از آن مرتبه بالاتر نازل می شود. (مصباح یزدی، ۱۳۸۳: ۲۳۶) مثال: «وَفِی السَّمَاءِ رِزْقُکُمْ وَمَا تُوعَدُونَ» (ذاریات / ۲) به نظر نگارندگان واژه سماوات/سما در آیه دوم سوره رعد در معنای اول از چهار معنای یادشده به کار رفته است.

۲. تبیین دیدگاه‌های مفسران

تدبر در آیه دوم سوره رعد و تأمل در دیدگاه‌های مفسران نشان می دهد که مفسران در ارتباط با آیه یادشده «آسمان‌های بی ستون» سه دیدگاه کلی دارند:

عده‌ای از مفسران آیه را دلالتی بر وحدانیت خداوند در ربوبیت، کمال قدرت و تصدیقی بر وجود خدا می دانند.

۲- عده‌ای از مفسران اعتقاد دارند آیه از یک حقیقت علمی پرده برداشته که در زمان نزول قرآن معروف نبوده و آن نیروی جاذبه و دافعه است.

۳- دیدگاه سوم افزون بر اینکه وجه دلالت آیه را وحدانیت رب و مدبر عالم می داند و اینکه هیچ خلق و امری بدون استناد به خداوند تعالی نیست، (که در دیدگاه اول بیان شد) تصریح می کند که سنت اسباب در عالم جریان دارد و خداوند بر صراط مستقیم است.

(صراطِ علیت و سببیت) بنابراین وجه تقیید آیه بر لفظ «ترونها» را بیداری «فطرت پرخواب رفته» انسان‌ها می‌داند تا به جستجوی علت برخیزد و پس از آن به خدای سبحان برسد. اینک با تفصیل، هر یک از این دیدگاه‌ها بیان می‌شود:

۲ - ۱. دیدگاه‌های توحید محور

مفسرانی مانند طبری، نیاوردی، شیخ طوسی، طبرسی، عیاشی، ملأ فتح‌الله کاشانی، عبدالحسین طیب، گنابادی و... از طرفداران دیدگاه اولند.

طبری در تفسیرش تفسیر طبری ذیل آیه ۲ رعد، آسمان‌ها را بدون ستون و یکسان بر عرش دانسته و عقیده دارد که آسمان‌ها بر عرش ایستاده‌اند (طبری، ۱۳۵۶: ۸۰۶/۳). نیاوردی در تفسیرش النکت و العیون برای جمله *اللَّهُ الَّذِي رَفَعَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ* دو تأویل دو تأویل بیان می‌کند: ۱- از ابن عباس نقل می‌کند، ستون‌هایی وجود دارد لکن شما آن را نمی‌بینید ۲- از قتاده و ایاس بن معاویه نقل می‌کند، آسمان‌ها بدون ستون برافراشته شده است. همو درباره رفع آسمان‌ها دو وجه بیان می‌کند: ۱- از جهت قدر و جلالت است زیرا آسمان شریف‌تر از زمین است. ۲- نگه‌داشتن آسمان را نگه می‌دارد تا علتی برای زمین باشد. (نیاوردی، بی تا: ۹۹/۳)

شیخ طوسی در التبیان ذیل آیه شریفه از هدف الهی که بیان قدرت ذاتی و صفات منحصر به فرد و تأکید بر وحدانیتش است، سخن گفته، ادامه می‌دهد در تفسیر این آیه دو قول مطرح است:

قول اول: ابن عباس و مجاهد می‌گویند: آسمان‌ها نه از پایین بر ستونی قرار دارند و نه از بالا به چیزی آویخته‌اند.

قول دوم: قتاده و ایاس بن معاویه می‌گویند: خداوند آسمان‌ها را بدون ستون برافراشته همان‌طور که می‌بینیم.

همو قول دوم را صحیح می‌داند که اگر ستونی داشت دیده می‌شد. (طوسی، بی تا:

۲۱۳/۶)

طبرسی در مجمع‌البیان آیه را استدلالی بر آیه پیش می‌داند که به موجب آن تصدیق

واکاوی سیر تاریخی دیدگاه‌های مفسران پیرامون آسمان‌های بی ستون در ...؛ میراحمدی و تائبی | ۱۵۵

به وجود خداوند حتمی است، سپس به پیروی از شیخ طوسی قول ابن عباس، قتاده، جبانی و ابومسلم را مطرح کرده و آن را صحیح‌تر می‌داند که خداوند آسمان‌ها را بدون ستون، برافراشته و شما هم می‌بینید که ستون ندارد. وی در ادامه می‌نویسد: ممکن است «ترونها» صفت برای عمد باشد که در این صورت معنای آیه چنین می‌شود: آسمان‌ها را ستونی که شما مشاهده کنید، نیست بنابراین بر پایه قدرت بیکران خداوند متعال استوار است. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۴۲۱/۶)

ملاً فتح‌الله کاشانی این آیه و آیاتی نظیر آن را نشانه‌ای بر کمال قدرت خداوند و اراده او دانسته در تفسیرش ذیل آیه می‌نویسد: اگر «ترونها» صفت برای عمد باشد لازم می‌آید که آسمان ستونی داشته باشد اما مرئی نشود و گویند که ستون، قدرت کامله اوست که آسمان بدان مرفوع است و در فواید السلوک آورده که باری تعالی سقوف عالیه و سطوح مرتفعه سماوات را بی قائمه که ادراک بتوانید کرد برافراشت و بی ستونی که می‌توان مشاهده نمود، بلند برداشت؛ یعنی ستون هست اما مخفی است و آن عدالت خداوند سبحان است که «بالعدل قامت السماوات». در انوار گفته که در آیه دلیلی است بر وجود صانع حکیم، زیرا که ارتفاع سماوات بر سایر اجسام و اختصاص آن به آنچه مقتضی آن است ناچار از مخصصی است که جسمانی نباشد و مرجح بعضی از ممکنات باشد بر بعضی و آن اراده سبحانی اوست و بر این منهای است سایر آنچه، در این آیات باهره بر کمال قدرت و اراده او مذکور شد. (کاشانی، ۱۳۳۶: ۸۵/۵)

تفاسیر روایی شیعه از جمله: البرهان، عیاشی و الصافی در تفسیر این آیه به حدیث امام رضا علیه‌السلام استناد کرده که حسین بن خالد می‌گوید از امام رضا علیه‌السلام پرسیدم منظور از «والسماوات ذات الحبک» چیست؟ فرمود: این آسمان راه‌هایی به سوی زمین دارد، سپس سؤال کرد، چگونه می‌تواند راه ارتباطی با زمین داشته باشد درحالی که خداوند می‌فرماید آسمان‌ها بی ستون است. امام علیه‌السلام فرمودند: ستون دارد ولی دیده نمی‌شود. (بحرانی، ۱۴۱۶: ۳۷۸/۲)

به نظر می‌رسد مراد از ستون غیرقابل مرئی در روایت یادشده و روایاتی از این دست،

بیان قدرت الهی است. در این میان، تفاسیر معاصر بیشتر به قدرت الهی اشاره دارند از جمله: صاحب تفسیر اثناعشری عمد را قدرت الهی می‌داند. با این توضیح که خداوند با قدرت خویش آسمان‌ها را نگه داشته است. (حسینی شاه‌العظیمی، ۱۳۶۳: ۳۲۴/۶)

بروجردی در تفسیر جامع نیز معتقد است که «عمد» به قدرت پروردگار اشاره دارد. در این میان، از نشانه‌های او حفظ آسمان‌هاست، بدون ستونی که دیده شود. وی آیه را دلیل بر معرفت و تصدیق پروردگار دانسته و اذعان دارد که خداوند آسمان‌ها را بدون پایه و ستونی که دیده شود برافراشته و مانند قبه بر روی زمین و آسمان محیط است. همچنین به مثابه کوهی از همه جوانب بر روی زمین قرار گرفته که نشانه قدرت پروردگار است. (بروجردی، ۱۳۶۶: ۳۸۲/۳)

جعفری در تفسیر خود بر این باور است که در آیه دوم سوره رعد، پنج نوع از مظاهر قدرت خداوند بیان شده است. یکی از این مظاهر آن است که خداوند آسمان‌ها را بدون ستونی که انسان‌ها ببینند برافراشته است. او در ادامه به اعجاز علمی قرآن و قانون جاذبه عمومی اشاره می‌کند. (جعفری، ۱۳۷۶: ۴۸۳/۵)

در تفسیر روان جاوید نیز به عنوان یکی از وجوه چنین آمده است: شاید مراد از ستون‌ها قوای حافظه یا قدرت و مشیت الهی باشد. همچنین منظور از ستون، قدرت الهی و جمله «ترونها» صفت «عمد» می‌باشد. (ثقفی تهرانی، ۱۳۹۸: ۱۸۷/۳)

از نظر صاحب تفسیر احسن الحدیث نیز این آیه گوشه‌ای از نظام طبیعت را بیان می‌کند که حاکی از توحید و نفوذ یک مشیت و ربوبیت قوی در جهان است. (قرشی، ۱۳۷۷: ۱۹۸/۵)

محمدصادقی از مفسران معاصر در تفسیر خود این آیات را استدلالی بر وجود خالق یکتا، دانا، حکیم و قدیر می‌داند زیرا بیننده با مشاهده آسمان‌های برافراشته، می‌پرسد چه کسی آن‌ها را برافراشته و آسمان‌ها را نگه داشته است؟ آیا کسی غیر از خداوند قهار؟ سپس می‌گوید: عقل بیننده با دیدن آسمان‌های مرفوع بدون تکیه گاه و ستون حیران شده، این امر را محال می‌داند. سپس تأکید می‌کند که آسمان‌های هفتگانه ستونی دارد ولی دیده

واکاوی سیر تاریخی دیدگاه‌های مفسران پیرامون آسمان‌های بی ستون در ...؛ میراحمدی و تائبی | ۱۵۷

نمی‌شود.

همو در ادامه با تفسیر آیه به آیه، به آیات دیگر: (الرحمن / ۷)، (النازعات / ۲۸) و (الطور / ۴)، استناد می‌کند و با تأکید بر اینکه آسمان‌های برافراشته دلالت بر این که برپادارنده دارد و با مشاهده عدم سقوط آن پی به نگهدارنده نادیدنی برده می‌شود، نظر و دیدگاه سوم را تأکید می‌کند. (صادقی، ۱۳۶۵: ۲۴۷)

عبدالحسین طیب این آیات را از آیات مشکل می‌داند در اطبیب البیان سماء به معنای ارتفاع؛ و سمو را مرتفع معنا کرده. به نظر او ارتفاع سماوات به مناسبت اهل زمین است که در هر نقطه باشند، آسمان بالای سر آنها است. این‌ها هفت آسمان است. به نص قرآن کریم که: «قل من رب السماوات السبع ورب العرش العظيم» (مؤمنون / ۸۸) و تمام این کرات آسمانی، کواکب و ستاره‌ها در آسمان اول هستند به دلیل قوله تعالی: «ففضاهن سبع سماوات فی یومین و اوحی فی کل سماء امرها وزینا السماء الدنيا بمصابیح» (فصلت / ۱۱) از جمله «بغیر عمد ترونها» برداشت می‌شود که بدون ستون تمام این کرات حتی کره زمین و آب در این فضای وسیع به حفظ الهی نگه‌داشته شده، نه پایه دارد که برجایی تکیه دهد و نه مثل میخ که در آسمان کوبیده شود. همان‌گونه که حکمای قدیم چنین نظری داشتند و این‌گونه تفسیر می‌کردند، ستون دارد، لکن شما نمی‌بینید؛ اما معنا ظاهراً این است که ستون ندارد که شما ببینید. (طیب، ۱۳۷۸: ۷ / ۳۰۰)

به نظر می‌رسد نظریه حکمای قدیم به صواب نزدیک‌تر است زیرا همه کرات ستون دارند که همان نیروی جاذبه و دافعه است و از دید ما مخفی است لکن وجود دارد. سید قطب مفسر اهل سنت با اینکه از زمره مفسران علمی محسوب می‌شود در فی ظلال القرآن این آیه اصلاً به قوانین علمی اشاره نمی‌کند و بیان می‌کند که هر انسانی از مشاهده رفع آسمان‌ها به قدرت خداوند پی می‌برد.

از دیدگاه او این مسئله علمی از جمله مسائل شگفت‌انگیز است که هر انسانی با وجدان خویش می‌یابد که برای احدی مقدر نیست، آسمان‌ها را برافرازد بدون ستونی یا حتی با ستون به جز خداوند قادر... که اشاره به قدرت خداوند دارد. (سید قطب، ۱۴۱۲: ۲۸۷/۵)

احساس و دریافت ابتدایی انسان از مشاهده آسمان‌ها و این منظرگاه عجیب این است که هیچ‌کس به غیر خدا قادر به بالا بردن آسمان‌ها با ستون و حتی بدون ستون نمی‌باشد و در نهایت از این دیدگاه شگفت‌انگیز قابل‌رؤیت از شهادت به غیبی که عقل‌ها و دیده‌ها در مقابل آن قاصر است، منتقل می‌شود. (همان)

چنان‌که از آراء یادشده پیداست مفسران در این دیدگاه بر این باورند که آسمان‌ها نه از طرف بالا به چیزی آویزان‌اند و نه از طرف پایین بر ستونی قرار دارند بلکه بر پایه قدرت بیکران خداوند متعال استوارند.

۲ - ۲. دیدگاه‌های علم‌گرا

در ارتباط با دیدگاه دوم ابتدا لازم است مقدمه‌ای بیان شود.

۲ - ۲ - ۱. تفسیر علمی

یکی از روش‌های تفسیر قرآن کریم روش علمی است که مفسر معتقد است قرآن کریم تمام یا برخی از علوم یا فرضیه‌ها را در بردارد و بر این اساس درصدد تطبیق آیات قرآن بر کشفیات علمی جدید و قدیم برآمده است. در ارتباط با تفسیر علمی سه نظریه وجود دارد.

دسته الف: علم‌زدگان: این دیدگاه معتقد است که قرآن کریم تمام علوم را در بردارد و به هر علمی اشاراتی نموده است، برخی تلاش نموده‌اند تا قرآن کریم را کتابی کاملاً علمی جلوه دهند.

دسته ب: علم یافتگان: معتقدند که قرآن برای هدایت انسان نازل شده و هدف اصلی آن تربیت و به کمال رساندن انسان‌هاست. انسان در مسائل تجربی از ابزاری که خداوند در اختیار او قرار داده می‌تواند علوم را کشف کند و از آنجا که گوینده قرآن به تمامی اسرار علوم آگاه است به برخی از اسرار طبیعت اشاره کرده که این اشارت‌ها هدف اصلی و ذاتی صاحب سخن نیست، لذا هیچ‌گاه در این گونه اشارت‌ها درنگ نشده است.

دسته ج: منکران تفسیر علمی: این گروه اعتقاد دارند که قرآن کریم علوم تجربی را

واکاوی سیر تاریخی دیدگاه‌های مفسران پیرامون آسمان‌های بی ستون در ...؛ میراحمدی و تائبی | ۱۵۹

در برنارد بلکه آن را کتاب هدایت بشر دانسته و لزومی به بیان مسائل علمی و فرضیات و فرمول‌های تجربی در آن نیست، تفسیر علمی را نوعی تفسیر به رأی و تحمیل عقیده بر قرآن می‌دانند. (علوی مهر، ۱۳۸۱: ۳۱۱-۳۰۷).

به نظر می‌رسد که انکار تفسیر علمی، قیامی در برابر گروه اول است که قرآن را کتاب علمی می‌داند. در هر صورت ریشه‌های ظریف این گرایش تفسیری به معنای دوم را می‌توان در صدر اسلام جستجو نمود، چنان‌که حضرت علی (علیه‌السلام) در مطالب تفسیری خود به این نکته اشاره نموده است. (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۲: ۲۳۸) از جمله اشاره به کروییت زمین در ذیل آیه «فلا اقسام برب المشارق والمغارب» (المعارج/ ۴۰) و نیز تصریح به نام پنج سیاره در ذیل آیه «فلا اقسام بالخنس الجوار الكنس» (تکویر/ ۱۵-۱۶)

نخستین نمونه‌های تفسیر علمی قرآن پس از روایات، در تفسیر «التبیان» شیخ طوسی در قرن پنجم و در «مجمع‌البیان» طبرسی در قرن ششم پیرامون مسائل طبی، هیئت، نجوم و برخی از مسائل زیست‌شناسی به چشم می‌خورد.

در قرن سیزده و چهارده، حرکت تاریخی تفسیر علمی به‌ویژه میان اهل تسنن تا حد افراطی‌گری ادامه داشت. البته تفاسیر شیعه حالت میانه را رعایت نموده است. از مفسران اهل سنت، (اسکندرانی ۲۰۱۰: ۱۲۳) در تفسیرش و (طنطاوی، ۱۳۵۸: ۱/ ۲۳۶) در تفسیر خود با تلاش فراوان در حد افراط خواسته‌اند مفاهیم آیات را با علوم تجربی و یافته‌های بشری هماهنگ نمایند؛ اما دیگر مفسران اهل سنت مانند کواکبی در کتاب طبایع الاستبداد و مصارع الاستبعاد و شیخ محمد عبده (د ۱۹۰۵ م) و شاگردش رشید رضا در تفسیر المنار با روش ملایم‌تری به این مباحث پرداخته‌اند.

از تفاسیر معروف شیعه در این زمینه می‌توان، المیزان، الفرقان، الکاشف، نورالثقلین، نمونه، البصائر، من هدی القرآن، تفسیر روشن، انوار درخشان، پرتوی از قرآن و از تفاسیر اهل سنت، می‌توان الکبیر و روح‌البیان را نام برد.

۲-۲-۲. قانون جاذبه عمومی

نسبیت ویژه‌ای که در مقاله Zur Elektrodynamik der bewegter Körper آلبرت

انیشین آورده شده، مبتنی بر مفهوم سرعت محدود انتقال اطلاعات توسط سیگنال‌های موجود (پرتوهای نور) است. نشان داده شده است که همین مفهوم در مورد قانون جاذبه جهانی نیوتن اعمال می‌شود زیرا بزرگی مسافت بین جرم‌های جاذب، می‌تواند به صورت فیزیکی تنها با سیگنال‌هایی (فرآیندهای فیزیکی) که در سرعت محدود انتشار می‌یابند، تعریف شود.

در نتیجه سرعت انتشار گرانش محدود است. تحولات خطی نسبیّت ویژه در قانون گرانش نیوتون اعمال می‌شوند تا تأثیرات نسبی گرایی انتقال اطلاعات در زمینه نیروهای جذب مرکزی، در نظر گرفته شوند. (انیشین، ۱۹۰۵: ۸۹۱) باین وجود گفتنی است هزار و چهارصد سال پیش از نیوتون قرآن کریم پرده از روی این معمای بزرگ علمی برداشته و در چندین آیه به وجود جاذبه در تمامی کرات و کهکشان‌های عالم اشاره نموده است؛ مانند: آیه ۱۰ سوره لقمان که خداوند می‌فرماید: «خَلَقَ السَّمَوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا...». همچنین در آیه ۲۵ سوره مرسلات می‌فرماید: «الْم نَجْعَلِ الْاَرْضِ كِفَاتًا». واژه «كِفَاتًا» مصدر است و به معنی گردآوری. در اینجا در معنی اسم فاعل به کار برده شده است و به معنی جمع کننده و گردآورنده است. یا این که اسم مکان است به معنی جایگاه و محل گردمایی. (اقراب الموارد، ذیل آیه) آیه یادشده یکی دیگر از آیات قرآنی است که اشاره به نیروی جاذبه زمین دارد، زیرا زمین را جایگاه جذب معرفی می‌کند. نیز در آیه ۴۱ سوره فاطر می‌فرماید: «ان الله يُمَسِّكُ السَّمَاوَاتِ وَ الْاَرْضَ أَنْ تَزُولَا...». مگر این نگه داشتن غیر از نیروی جاذبه عمومی است که خداوند در بین کرات قرار داده تا از مدارشان خارج نشوند؟ انسان وقتی بعضی از حوادث را مقرون به علت می‌بیند، معتقد است هر حادثه‌ای محتاج به علتی است که آن را ایجاد کند و در فطرتش جستجو از علل حوادث و امور ممکنه نهفته است. پس خداوند علت همه چیز است و آن کسی که آسمان‌ها را بدون ستون حفظ می‌کند فقط اوست. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۲/۳۱۲ و ۱۹/۳۵۹)

۲ - ۲ - ۳. بیان دیدگاه‌های مفسران علم‌گرا

مکارم شیرازی ذیل آیه دوم سوره رعد، پس از استناد به حدیث امام رضا (علیه‌السلام)

واکاوی سیر تاریخی دیدگاه‌های مفسران پیرامون آسمان‌های بی ستون در ...؛ میراحمدی و نائبی | ۱۶۱

می‌گوید: این آیه با توجه به حدیثی که در تفسیر آن وارد شده است پرده از روی یک حقیقت علمی برداشته که در زمان نزول آیات برکسی آشکار نبود چراکه در آن زمان هیئت بطلموسی با قدرت هرچه تمام‌تر بر محافل علمی جهان و بر افکار مردم حکومت می‌کرد و طبق آن آسمان به صورت کراتی تو در تو بوده و مانند لایه‌های پیاز روی هم قرار داشتند. طبعاً هیچ کدام معلق و بدون ستون نبود، بلکه هر کدام بر دیگری تکیه‌دارند ولی حدود هزار سال بعد از نزول این آیات، علم و دانش بشر به اینجا رسید که افلاک پوسته‌پیزی از موهومات است و آنچه واقعیت دارد این است که کرات آسمانی هر کدام در مدار و جایگاه خود، معلق و ثابت‌اند، بی آن که تکیه‌گاهی داشته باشند. تنها چیزی که آن‌ها را در جای خود ثابت نگه می‌دارد، تعادل قوه جاذبه و دافعه است که یکی ارتباط با جرم این کرات دارد و دیگری مربوط به حرکت آن‌هاست.

این تعادل جاذبه و دافعه به صورت یک ستون نامرئی، کرات آسمان را در جای خود نگه‌داشته است. سپس برای تأیید این موضوع به حدیثی از امیر مؤمنان امام علی (علیه‌السلام) در این زمینه استناد می‌کند. طبق این حدیث امام (علیه‌السلام) فرمود: این ستارگانی که در آسمان‌اند، شهرهایی هستند همچون شهرهای روی زمین که هر شهری با شهر دیگر، هر ستاره‌ای با ستاره دیگر با ستونی از نور مربوط است. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۵۷۴/۳؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۱۱/۱۰)

فیض کاشانی در تفسیر الصافی در جمله «اللّٰهُ الَّذِي رَفَعَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا» عمد را بدون ستون‌هایی که دیده شود ترجمه نموده، ترونها را صفت عمد می‌داند. همو سپس برای اثبات نظریه خویش از امام رضا (ع) روایتی می‌آورد که فرموده است: پس ستونی وجود دارد لکن شما آن را نمی‌بینید (فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۵۷/۳)

آیا تعبیری روشن‌تر از ستون نامرئی یا ستونی از نور در افق ادبیات آن روز برای ذکر

امواج جاذبه و تعادل آن با نیروی دافعه پیدا می‌شود؟ (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۱۱/۱)

چطور این گونه نباشد و حال آن که نظم در خورشید و ماه در آسمان و گردش بدون تأخیر یا تعجیل آن دو و فاصله‌ای را که از زمین حفظ می‌کنند، بیانگر آن است که نیرویی

بین همه کرات وجود دارد لکن ما از دیدن آن ناتوانیم.

سید محمدحسین همدانی از مفسران معاصر در تفسیر انوار درخشان ذیل این آیه پدیده‌های جهان هستی را که نظر و فکر هر خردمندی را جلب می‌کند آفرینش و تدبیر درباره‌ی کران بیکران آسمان می‌داند که آن‌ها را از کتم عدم پدید آورده و در فضا و جو زیاده بر تصور، هریک را در مدار مخصوص و سنجیده و نظام معلوم مقرر داشته و پیوسته در مسیر حرکت هستند و از جمله کرات، خورشید است که بر حسب تدبیر حیات و زندگی نباتات و حیوانات وابسته به تابش نور و حرارت بر سطح دریاها سبب تبخیر آن‌ها می‌شود.

سپس می‌افزاید، استقرار هریک از کرات آسمان در جو و فضا بدون استناد به وسایل طبیعی و ظاهری از جمله کره زمین نیز مانند کرات و اجرام بالا در مدار مخصوص پیوسته در حرکت است و با نیروی مرموز جذب و انجذاب و گریز از مرکز که در هریک نهاده شده پیوسته در مسیر و مدار مخصوص هر یک برقرار هستند. (همدانی، ۱۴۰۴: ۱۵۶/۹)

حسن مصطفوی در تفسیر روشن ارتفاع سماء را به‌طوری که در محلش روشن شده است، در اثر نیروی جاذبه و دافعه دانسته و اضافه می‌کند این دونیرو در میان همه کرات آسمانی موجود است و با آن دونیرو حرکات آن‌ها تنظیم شده است؛ و در پایان اشاره دارد که هر کدام در مدار مخصوص خود حرکت می‌کنند و مراد از عمد همان دونیرو است که در خارج محسوس نیست. (مصطفوی، ۱۳۸۰: ۱۲/۱۳۸-۱۳۷)

سید محمدتقی مدرسی نیز در تفسیر من هدی القرآن ذیل این آیه پس از استناد به حدیث امام رضا (علیه‌السلام) می‌گوید: تصور ما از عمد نیروی جاذبه است. (مدرسی، ۱۴۲۹: ۴/۲۰۴۴)

معتقدان به این دیدگاه بر این باورند آفرینش و تدبیر درباره‌ی کران بیکران آسمان است که آن‌ها را از کتم عدم پدید آورده و در فضا و جو زیاده بر تصور، هریک را در مدار مخصوص و سنجیده و نظام معلوم مقرر داشته و با دونیرو حرکات آن‌ها را تنظیم می‌کند. آن‌ها قانون جاذبه و دافعه را مسلم می‌دانند. اسراری در آیات قرآن وجود دارد که جز راسخان در علم (اهل بیت ع) از آن آگاهی ندارند. یکی از تأویلاتی که برای این‌گونه

آیات بیان می‌کنند این که از معجزات علمی قرآن هستند.

۲ - ۳. دیدگاه‌های عمل‌گرایانه مبتنی بر رویکرد توحیدی

از نظر برخی از اندیشمندان، آفرینش آسمان‌های بدون ستون از قسم توحید افعالی است. توحید افعالی مانند توحید ذاتی و صفاتی از مراتب نظری توحید است؛ یعنی به حوزه باورهای انسان تعلق دارد؛ برخلاف توحید عبادی که به حوزه اعمال مربوط می‌شود. (مطهری، ۱۳۷۷: ۲/۱۰۴)

برخی مفسران فقره ابتدایی آیه دوم سوره رعد را به گونه‌ای تفسیر کرده‌اند که افزون بر تأکید بر روی نکاتی که در دیدگاه اول ارائه کرده‌اند، حاوی نکات متفاوت و بدیعی است که در ادامه بیان خواهد شد.

فخر رازی در الکبیر ضمن اینکه علت بقای اجسام بزرگ در آسمان را اجرام و ذات آن‌ها نمی‌داند بلکه محال می‌انگارد، برای حفظ اجسام در فضای بالای آسمان دو وجه بیان می‌کند: ۱- اجرام در تمام ماهیت مساوی هستند. اگر ایجاد جسم در یک مکان واجب باشد پس باید هر جسمی در آن مکان موجود شود. ۲- برای خلأ پایان و نهایی نیست و مکان‌هایی در خلأ، موجود است؛ اما خلأ صرف بی‌نهایت است و به‌طور کل مساوی است. اگر وجود یک جسم در یک مکان معین واجب باشد در همه مکان‌ها واجب است؛ زیرا بدیهی است، همه مکان‌ها مشابه یکدیگرند. پس نه زنجیروار از بالا به هم متصل‌اند نه از پایین به ستونی تکیه زده‌اند. با این مقدمات او نتیجه می‌گیرد: آنچه آن‌ها را در آسمان نگه‌داشته، مدبر عالم، معبود قاهر، خداوند متعال است. از طرف دیگر حفظ اجسام در آسمان دلالت دارد که خداوند جسم نیست و اختصاص به مکانی ندارد؛ زیرا اگر به مکان نیاز داشته باشد، همه مکان‌ها مساوی هستند، پس معبود نیز یکی از اجرام آسمانی تلقی می‌شود که محال است. فخر رازی در مورد «ترونها» می‌گوید: اولاً این کلام مستانفه است و معنایش این است که «رفع السموات بغير عمد» و سپس می‌فرماید: «ترونها» یعنی شما آن را بدون ستون می‌بینید. ثانیاً: بعضی می‌گویند در آیه تقدم و تأخر وجود دارد، به این صورت: «رفع السموات ترونها بغير عمد» که جایز نیست. چون باید آیه را حمل بر ظاهر

کنیم. ثالثاً: «ترونها» صفت برای «عمد» است؛ یعنی، «بغیر عمد مرثیه» که این گونه می‌شود: «للسموات عمد» لکن ما آن را نمی‌بینیم. (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۱۸/۵۲۸)

بروسوی در تفسیرش یکی از دلایل ربوبیت خداوند را با موضوع برافراشتن آسمان‌ها آغاز نموده، می‌گوید: فاصله بین زمین و آسمان‌ها پانصد سال است و این مداری که بین کرات وجود دارد بدون ستونی حفظ شده و پایدار است. عمد را به معنای ستون گرفته و عبارت «بغیر عمد» را حال از «سماوات» می‌داند؛ یعنی خداوند آسمان‌ها را بدون ستون برافراشت. در این صورت مرجع ضمیر «ها» در جمله وصفیه «ترونها» واژه «عمد» خواهد بود؛ یعنی بدون ستون‌های قابل مشاهده. معنای نفی ستون غیر قابل مشاهده یا نفی ستون و رؤیت است یعنی از اساس ستونی وجود ندارد مه قابل مشاهده باشد یا نفی رؤیت است یعنی ستون هست ولی قابل مشاهده نیست و آن ستون‌ها چیزی جز قدرت الهی نیست که آسمان‌ها با قدرت خداوند نگه‌داشته شده‌اند یا ستون همان عدل الهی است که در قرآن آمده است: خداوند فراز و فرود آسمان‌ها را با عدل برپا داشته است.

همو جمله «ترونها» را مستانفه دانسته سپس ضمیر «ها» را به السموات برمی‌گرداند، گویا گفته شود به چه دلیل آسمان‌ها بدون ستون نگه‌داشته شده‌اند؟ در جواب گفته می‌شود: شما آن‌ها را بدون ستون می‌بینید (درحالی‌که ستون آن‌ها مخفی است) (حقی بروسوی، بی‌تا، ۳۳۵/۴)

صاحب تفسیر نورالثقلین ذیل آیه ۲ سوره رعد روایاتی آورده است:

اولین روایت را از تفسیر علی بن ابراهیم نقل کرده: «علی بن ابراهیم» از پدر خود چنین روایت کرده که حسین بن خالد گفت: از علی بن موسی‌الرضا (علیهما السلام) پرسیدم: معنی الحبک در آیه (والسماوات ذات الحبک) چیست؟ فرمود: محبوبه که الی الارض (یعنی بر زمین محکم و استوار گردیده) وانگشتان خود را مثل شبکه درهم داخل گردانید که نشان دهد آسمان و زمین چگونه داخل هم است. حسین بن خالد گوید گفتیم: چگونه چنین است در صورتی که حق سبحانه فرموده: رفع السماوات بغیر عمد؟ پاسخ داد که حق تعالی فرموده بغیر عمد ترونها یعنی ستون‌ها هست، لکن دیده نمی‌شود»

واکاوی سیر تاریخی دیدگاه‌های مفسران پیرامون آسمان‌های بی ستون در ...؛ میراحمدی و تائبی | ۱۶۵

حضرت علی علیه‌السلام فرمود: از شواهد آفرینش او، آفرینش آسمان‌هاست که بی‌هیچ ستون و تکیه‌گاهی بر جای و بر پایه‌اند. (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۸۲)

در زیر آسمان‌ها موجی پدید آورد تا آن‌ها را از فرو ریختن بازدارد؛ و بر فراز آن‌ها سقفی بلند برآورد بی‌هیچ ستونی که بر پایشان نگه دارد یا میخی که اجزایشان به هم پیوسته گرداند. (نهج‌البلاغه، خطبه اول)

حویزی در تفسیر نور الثقلین علاوه بر حدیث فوق، کلامی از حضرت علی (علیه‌السلام) در نهج‌البلاغه آورده که مؤید دیدگاه یادشده است: آسمان پایین را چون موج مهارشده و آسمان‌های بالا را مانند سقفی استوار و بلند قرارداد، بی‌آنکه نیازمند به ستونی باشد، یا میخ‌هایی که آن‌ها را استوار کند. (حویزی، ۱۴۱۵، ۴۸۱/۲)

همو با آوردن چنین روایاتی عقیده خود را که تلفیقی از دیدگاه دوم و سوم است، بیان می‌دارد. در واقع یک تناقض‌گویی است. از سویی با توجه به روایت می‌گوید: موجی در زیر آسمان‌ها وجود دارد که مانع فرو ریختن آن‌ها می‌شود و با آوردن کلامی از نهج‌البلاغه اذعان دارد که آسمان‌ها بدون هیچ ستونی بر جای خود استوارند.

علامه طباطبایی در کتاب المیزان ذیل این آیه و آیات مرتبط، دیدگاه سوم را چنین تبیین نموده، غرض این آیه را یاد دادن دلیل ربوبیت پروردگار متعال می‌داند و اینکه واحد است و شریک ندارد. همو آسمان‌ها را بدون ستون و پایه‌ای که بر آن تکیه داشته باشد نگه‌داشته که همچنان مرفوع و بلند است. در آن نظامی جریان دارد، شمسی و قمری دارد که تا زمانی معین در آن می‌چرخند و ناچار باید کسی باشد که به این امور قیام کند، آسمان‌ها را بدون پایه بلند کند، نظام را در آن منظم سازد، امور عالم را تدبیر نماید و این آیات را از یکدیگر جدا نموده یک‌به‌یک شرح دهد تا شاید شما به لقای پروردگار یقین کنید. پس آن کس که قائم به تدبیر عالم و تفصیل این آیات است همان خداست، در نتیجه تنها رب همه عالم اوست و رب دیگری غیر او نیست.

سپس علامه در وجه دلالت این آیه بر وحدانیت رب و مدبر عالم و وجه آوردن قید «ترونها» را در معنای «الذی رفع السماوات بغير عمد ترونها» نظر دارد که خداوند آسمان را

از زمین جدا کرد و میان آن دو فاصله‌ای ایجاد کرد که باعث شد آسمان بر زمین مسلط شود و اشعه خود را بر زمین بتاباند و باران و صاعقه خود را به زمین بفرستد و هم‌چنین آثار دیگر، پس آسمان بالای سرزمین بدون ستونی که انسان اعتماد آن را بر آن احساس کند ایستاده، در نتیجه هر انسانی باید متوجه شود که لابد کسی هست که آن را بدون ستون نگه‌داشته نمی‌گذارد جابه‌جا شود و آن را از فروریختن از مدارش نگه‌داشته است.

هرچند استقرار آسمان در مستقر بلند خود بدون پایه و ستون، عجیب‌تر از استقرار زمین در مدار خود نیست، هر دو از این بابت محتاج به خدای تعالی هستند و با قدرت و اراده او در مدار خود ایستاده‌اند، البته این ایستادن از طریق اسبابی است که مختص به همان زمین و آسمان است. اگر آسمان‌ها به وسیله پایه هم ایستاده بودند باز بی‌نیاز از احتیاج به خدای تعالی و قدرت و اراده او نبودند. پس تمامی موجودات در تمامی احوالشان محتاج به خدای تعالی هستند، احتیاج مطلق که هیچ‌گاه و در هیچ حالی برطرف نمی‌شود. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۱/۲۸۹-۲۸۶)

هم‌چنین علامه در شرح آیه «و هو الذی یمسک السماء ان تقع علی الارض الا باذن» (حج/۶۵) می‌گوید: این آیه استشهاد دیگری بر عموم قدرت خداوند است و مقصود آن این است که خداوند آنچه را در آسمان و زمین و دریاست برای شما مسخر کرده است و مراد از سماء جهت بالا و موجودات بالا است پس خداوند نمی‌گذارد آن موجودات فروریزند و به زمین بیفتند مگر به اذن خودش که با اذن او احیاناً سنگ‌های آسمان و صاعقه و امثال آن فروریزد. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۴/۴۰۳)

همو در شرح آیات ۷۹ نحل و ۱۹ ملک، در هر دو آیه خدای تعالی را سبب نگهداری مرغان در فضا را منحصر به خود دانسته و اذعان دارد که اسباب طبیعی نیز در پرواز مرغان در هوا مؤثرند و از سوی دیگر خدای تعالی در قرآن، قانون علیت و معلولیت را تصدیق نموده، سبب و اسباب را قبول دارد، پس چگونه در مسئله پرواز مرغان آن را انکار کرده است؟

این سؤالی است که در آیه شریفه به نظر می‌رسد و لکن باید دانست که ایستادن و راه

واکاوای سیر تاریخی دیدگاه‌های مفسران پیرامون آسمان‌های بی ستون در ...؛ میراحمدی و تائبی | ۱۶۷

رفتن مرغان در فضا و سقوط نکردنشان به هر طوری که باشد و مستند به هر سببی که باشد خودش و مسببش و رابطه‌ای که میان آن سبب و این سبب (پرواز) برقرار است همه مستند به خدای تعالی و صنع اوست.

هدف خداوند از توجه دادن مردم به سوی پرواز پرندگان و باز و بسته شدن بال‌های آن‌ها این است که بفهمند جز خدا کسی آن‌ها را در فضا نگه نمی‌دارد. همان‌طور که در آیه تصریح فرموده که خداوند آسمان و زمین را نگاه می‌دارد.

در کلام الهی نمونه‌های بسیاری از این امور آمده، نظیر نگاه‌داشتن زمین از متلاشی شدن، نگهداری کشتی‌ها بر روی آب و اختلاف میوه‌ها و رنگ‌ها و زبان‌ها و امثال آن که سبب طبیعی آن‌ها از نظر پنهان است؛ و در نگاه اول ذهن از توجه به آن امور به آسانی منتقل می‌شود به اینکه خدا آن‌ها را ایجاد کرده و اگر بعدها در اثر دقت و تحقیق متوجه سبب طبیعی آن گردد، آن وقت در پدیدآوردن سبب طبیعی اش فکر می‌کند تا در آخر باز به خدای تعالی منتهی شود و بفهمد که «الی ربک المنتهی».

علامه با این که قانون علت و معلول را مطرح می‌کند ولی از سخن او این گونه برداشت می‌شود که پدیدآوردن هر چیز خداست ولو سببش نباشد خداوند هر چیزی را در جای خود حفظ می‌کند در صورتی که تا مسببی نباشد سببی ایجاد نمی‌شود خداوند به سبب ستون‌های نامرئی کرات را در جای خود نگه می‌دارد. با این که ما معتزیم که همان سبب را نیز صنع اوست.

حکیم متأله جوادی آملی ذیل آیه یادشده در مورد جمله «بغیر عمد ترونها» به تبع استاد خود با استناد به آیات مشابه و به روش تفسیر قرآن به قرآن می‌گوید: یا در آسمان‌ها ستونی هست و حال آن که شما نمی‌بینید یا ستونی وجود ندارد که به نظر می‌رسد مورد دوم اقرب باشد، دلیل ایشان آیات ۷۹ نحل «أَلَمْ يَرَوْا إِلَى الطَّيْرِ مُسَخَّرَاتٍ فِي جَوِّ السَّمَاءِ مَا يُمْسِكُهُنَّ إِلَّا اللَّهُ إِنْ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ»، ۲۵ روم «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ تَقُومَ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ بِأَمْرِهِ ثُمَّ إِذَا دَعَاكُمْ دَعْوَةً مِنَ الْأَرْضِ إِذَا أَنْتُمْ تَخْرُجُونَ» و ۶۷ حج «لِكُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنَسَكًا هُمْ نَاسِكُوهَا فَلَا يَبْزُغُ عَنْكَ فِي الْأَمْرِ وَادْعُ إِلَى رَبِّكَ إِنَّكَ لَعَلَىٰ هُدًى مُسْتَقِيمٍ» است. در

آیه ۷۹ سوره نحل سخن از یمسک آمده، می‌فرماید: خداوند پرندگان را در آسمان نگه می‌دارد و ستونی هم برای آن‌ها نیست، بدون تکیه‌گاه و ستونی آن‌ها را از فروافتادن نگه می‌دارد هم‌چنین اجرام سنگین در آسمان را فقط خدا نگه می‌دارد.

اما آنچه از بررسی و واکاوی در علوم طبیعی و ماوراء آن برداشت می‌شود این است که این نگه‌داشتن و امساک که فاعل آن خداوند است، همان چیزی است که دانشمندان طبیعی آن را نیروی جاذبه عمومی می‌نامند. وی از آیه ۲۵ روم این‌گونه نتیجه می‌گیرد: جامع‌ترین آیه‌ای که می‌توان نداشتن ستون برای آسمان را ثابت کرد، این آیه است. پیرو کلمه «بامر» به این که نظام هستی به امر او ایستاده است که امر را به ملکوت معنا کرده است و با توجه به آیه ۸۲ یس «إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ» می‌گوید: کلشی «یکون» است و ملکوت «کن» است که «کن» به دست خداوند است. پس اگر با ستون هم باشد به امر خداست ولی ظاهر این است که امر تکیه کرده به اراده خداوند و ملکوت نگهبان کلشی است. اگر هم جاذبه‌ای باشد، باید به قدرت دیگری باشد. کل کیهان را خدا حفظ کرده است.

او برای اثبات نظر خود از آیه ۶۷ حج نیز در مورد حفظ و نگه‌داشتن پرندگان استفاده نموده و نتیجه می‌گیرد: نیروی الهی است که آن‌ها را در آسمان نگه‌داشته است. (بیانات جوادی آملی، ذیل آیه ۲ رعد)

چنان‌که پیداست قائلان این دیدگاه، آیه را دلیلی بر ربوبیت و قدرت پروردگار می‌دانند و بر این مطلب تأکید می‌کنند که خداوند در این آیه و آیات مشابه و مرتبط با موضوع آیه یادشده، از قدرت بی‌انتهای خود باهدف هدایت بشر یاد می‌کند. با تدبر در این آیات باور مؤمنان به قدرت الهی تقویت شده، در کارها به او توکل نموده، امید به آینده در دل‌های آنان زنده می‌گردد. طرفداران این دیدگاه علل و اسباب جاری در زندگی دنیا را هرگز انکار نمی‌کنند بلکه با اذعان به توحید افعالی، معتقدند همان علل و اسباب طبیعی هم مخلوق و معلول خدای دانا و توانا بوده، هیچ حرکتی بدون اذن الهی صورت نمی‌پذیرد.

۲ - ۴. ارزیابی دیدگاه‌های سه‌گانه

تفاوت دیدگاه اول با دیدگاه سوم این است که در دیدگاه اول روی سخن به معلق بودن کرات در فضا بود مفسران در این دیدگاه بر این باورند که آسمان‌ها نه از طرف بالا به چیزی آویزان‌اند و نه از طرف پایین بر ستونی قرار دارند بلکه بر پایه قدرت بیکران خداوند متعال استوارند. درحالی که در دیدگاه سوم به ربوبیت و قدرت خداوند توجه شده و اینکه تمام حرکات در هستی به قدرت او و با اسباب انجام می‌گیرد که همگی منتهی به صفت خالقیت اوست.

از بررسی و کاوش در آیات تدوین (آیات ۲ سوره رعد و ۱۰ لقمان و ۲۵ مرسلات و...) و تکوین و شواهد و قرائن درمی‌یابیم که دیدگاه سوم به واقعیت نزدیک‌تر است، زیرا همه هستی به قدرت ربوبی و وحدانیت خداوند استقرار دارد و اینکه خداوند با آفرینش نیروی جاذبه و دافعه، هستی را در حال تعادل حفظ نموده و نظم را بر گستره گیتی حکم فرما نموده است. این است قدرت لایزال خداوند متعال.

نتیجه‌گیری

از بررسی نظرات مفسران در خصوص فقره ابتدایی آیه دوم سوره رعد (برافراشته شدن آسمان‌ها بدون ستون‌های قابل مشاهده) نتایج ذیل حاصل شد: بررسی‌ها نشان داد که مفسران دارای سه دیدگاه کلی هستند: گروهی آیه را بدون اشاره به کشفیات علمی دانشمندان، نشانه قدرت خداوند می‌دانند، گروهی آیه را معجزه علمی پنداشته و گروهی آیه را دلیلی بر قدرت و ربوبیت الهی با اذعان به اسباب و مسبباتی که خداوند با قدرت لایزال خویش در هستی بکار گرفته است، می‌دانند. گروه سوم در توضیح نظر خود گفته‌اند: هدف خداوند در آیه دوم سوره رعد، از توجه دادن مردم به افراشته شدن آسمان‌ها بدون ستونی که دیده شود، این است که بفهمیم که جز خداوند کسی آسمان‌ها را از فروافتادن نگاه نمی‌دارد.

هرچند که آیات موردنظر بیان‌کننده نکات ظریف و قوانین علمی در هستی است، ولی هدف آیات تنها بیان اعجاز علمی قرآن نیست، بلکه این آیات موردنظر استدلال قوی

بر وحدانیت خداوند تعالی در ربوبیت و عموم قدرت بی‌پایانش است. به بیان دیگر، هدف آیات تنها توجه دادن به سبب طبیعی امور نیست، بلکه دقت در پدیدآورنده سبب طبیعی این امور و تأکید بر این نکته است که همه اسباب، مستند به خدای تعالی و صنع اوست و هیچ خلق و امری بدون استناد به او نیست. هدف خداوند تعالی در نهایت این است که فطرت پر خواب رفته بشر را بیدار کند تا خود به جستجو برخیزد و سپس به خداوند سبحان برسد.

تعارض منافع

تعارض منافع وجود ندارد.

ORCID

Abdullah Mirahmadi



<https://orcid.org/0000-0002-4296-1876>

Mahin Taebi



<https://orcid.org/0000-0003-0927-7690>

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

قرآن کریم.

- ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ ق.). *لسان العرب*، بیروت، دار صادر، الطبعة الثالثة.
- اسکندرانی، محمد بن احمد. (۲۰۱۰ م.). *کشف الاسرار والنورانیة القرآنیة*، بیروت، دارالکتب العلمیه، منشورات محمدعلی بیضون
- آلوسی، سید محمود. (۱۴۱۵ ق.). *روح المعانی*، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- بحرانی، سید هاشم. (۱۴۱۶ ق.). *البرهان فی تفسیر القرآن*، تهران، بنیاد بعثت.
- بروجردی، سید محمدابراهیم. (۱۳۶۶ ش.). *تفسیر جامع، تهران*، انتشارات صدر.
- ثقفی تهرانی، محمد. (۱۳۹۸ ق.). *تفسیر روان جاوید*، تهران، انتشارات برهان.
- جعفری، یعقوب. (۱۳۷۶ ش.). *تفسیر کوثر*، قم: مؤسسه انتشارات هجرت.
- جوادی آملی، عبدالله. *سایت اسراء*، ذیل آیه ۲ سوره رعد.
- حسینی شاه‌عبدالعظیمی، حسین بن احمد. (۱۳۶۳ ش.). *تفسیر اثنا عشری*، تهران، انتشارات میقات.
- حسینی همدانی، سید محمدحسین. (۱۴۰۴ ق.). *انوار درخشان*، تهران، کتاب‌فروشی لطفی.
- حقی برسوی، اسماعیل بن مصطفی. (بی‌تا). *تفسیر روح البیان*، بیروت، دار الفکر.
- حویزی، عبدعلی بن جمعه. (۱۴۱۵ ق.). *تفسیر نور الثقلین*، قم، اسماعیلیان.
- فخر رازی، ابو عبدالله محمد بن عمر. (۱۴۲۰ ق.). *الکبیر*، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ ق.). *مفردات الفاظ القرآن*، بیروت، دار الشامیه.
- رضایی اصفهانی، محمدعلی. (۱۳۸۱ ش.). *پژوهشی در اعجاز علمی قرآن*، رشت، کتاب مبین.
- رضایی اصفهانی، محمدعلی. (۱۳۸۲ ش.). *درس‌نامه روش‌ها و گرایش‌های تفسیری قرآن*، قم، مرکز جهانی علوم اسلامی.
- روحانی مشهدی، فرزانه، طالب‌پور، علیرضا، ذبیحی، اعظم. (۱۳۹۸ ش.). «تفسیر علمی (بغیر عمد ترونها) درباره «رفع» و «خلق» آسمان‌ها در قرآن»، *مجله مطالعات تفسیری*، شماره ۳۸، ص

۱۰۸-۸۹

- شاذلی، سید بن قطب بن ابراهیم. (۱۴۱۲ ق.). *فی ظلال القرآن*، بیروت، دارالشروق.
- شرتوتی، سعید الخوری. (۱۴۰۳ ق.). *اقرب الموارد*، قم، منشورات مکتبه مرعشی.
- شریف رضی، محمد بن حسین. (۱۴۱۴ ق.). *نهج البلاغه، تصحیح صبحی صالح*، قم: هجرت.

۱۷۲ | دو فصلنامه علمی سراج مُنیر | سال دوازدهم | شماره ۴۳ | پاییز و زمستان ۱۴۰۰

صادقی تهرانی، محمدحسن. (۱۳۶۵ ق.). *الفرقان فی تفسیر القرآن*، قم، انتشارات فرهنگ اسلامی. طباطبایی، سید محمدحسین. (۱۴۱۷ ق.). *تفسیر المیزان*، قم، انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲ ش.). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران، ناصر خسرو. طبری، محمد بن جریر. (۱۳۵۶ ش.). *ترجمه تفسیر طبری*، ترجمه حبیب یغمایی، تهران، ناشر توس، چاپ دوم.

طوسی، محمدبن حسن. (۱۴۲۰ ق.). *التیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار احیاء التراث العربی. طنطاوی جوهری. (۱۳۵۸ ق.). *جواهر القرآن*، بیروت، دار الکتب العلمیه، منشورات محمدعلی بیضون.

طیب، سید عبدالحسین. (۱۳۷۸ ش.). *اطیب البیان فی تفسیر القرآن*، تهران، انتشارات اسلام. علوی مهر، حسن. (۱۳۸۱ ش.). *روش‌ها و گرایش‌های تفسیری*، تهران، انتشارات اسوه. کاشانی، فتح‌الله. (۱۳۳۶ ش.). *منهج الصادقین فی إلزام المخالفین*، تهران، کتاب‌فروشی محمدحسن علمی.

فیض کاشانی، ملأ محسن. (۱۴۱۵ ق.). *الصفی*، انتشارات الصدر. قرشی، سید علی اکبر. (۱۳۷۷ ش.). *تفسیر احسن الحدیث*، تهران، بنیاد بعثت. گنابادی، سلطان محمد. (۱۴۰۸ ق.). *بیان السعاده فی مقامات العباده*، بیروت، مؤسسه علمی للمطبوعات.

نیاوردی، علی بن محمد. (بی تا). *النکت و العیون*، بیروت، دارالکتب العلمیه، منشورات محمدعلی بیضون.

مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ ق.). *بحار الانوار*، بیروت، انتشارات مؤسسه الوفاء. مدرس، سید محمدتقی. (۱۴۱۹ ق.). *من هدی القرآن*، تهران، دار محبب الحسین. مسترحمی، سید عیسی. (۱۳۹۵ ش.). «نیروهای بنیادین حافظ نظام کیهانی در قرآن»، *مجله قرآن و علم*، شماره ۱۹، ص ۱۱۹-۱۳۰.

مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۸۲ ش.). *معارف قرآن*، قم، مؤسسه در راه حق.

مصطفوی، حسن. (۱۳۸۰ ش.). *تفسیر روشن*، نشر کتاب تهران.

مطهری، مرتضی. (۱۳۵۷ ش.). *مجموعه آثار*، تهران، انتشارات صدرا.

References

The Holy Quran.

Alavi Mehr, Hassan., (2002). *Methods and interpretive tendencies*, Tehran, Osveh Publications. [in Persian]

Alousi, Seyyed Mahmud., (1994). *Rooh al-Ma'ani*, Beirut, Dar al-Kitab al-Alamiya. [in Arabic]

Bahrani, Seyyed Hashem., (1995). *Al-Barhan fi Tafsir al-Qur'an*, Tehran, Be'sat Foundation. [in Persian]

Boroujerdi, Seyyed Mohammad Ibrahim., (1987), *Tafsir Jame*, Tehran, Sadr Publications. [in Persian]

Einstein A. (1905). *Zur Elektrodynamik der bewegte Körper*. Ann. Physik, 17, pp. 891-921.

Feiz Kashani, Mulla Mohsen., (1994). *Al-Safi*, Sadr Publications.

Fakhr Razi, Abu Abdullah Muhammad bin Omar., (1999). *Al-Kabeer*, Beirut, Darahiya al-Tarath al-Arabi. [in Arabic]

Gonabadi, Sultan Muhammad., (1987). *Bayan al-Saadah in the authorities of worship*, Beirut, Scientific Institute for Press. [in Arabic]

Hosseini Shah Abd al-Azimi, Hossein bin Ahmad., (1984). *Tafsir Eznaashri*, Tehran, Miqat Publications. [in Persian]

Hosseini Hamdani, Seyyed Mohammad Hossein., (1983). *Anvar Derakhshan*, Tehran, Lotfi bookstore. [in Persian]

Haghi Brosavi, Ismail bin Mustafa., (n.d.). *Tafsir Ruh al-Bayan*, Beirut, Dar al-Fakr. [in Arabic]

Hawizi, Abd Ali bin Juma., (1994). *Tafsir Noor al-Saghlain*, Qom, Ismailian.

Ibn Manzoor, Muhammad bin Makram., (1993). *Lasan al-Arab*, Beirut, Dar Sadr, 3rd edition. [in Arabic]

Iskandarani, Mohammad bin Ahmad., (2010). *Kashf al-Asrar al-Nurani al-Qur'aniya*, Beirut, Dar al-Kitab Al-Alamiya, Muhammad Ali Bizoon pamphlets. [in Arabic]

Jafari, Yaqub., (1997). *Tafsir Kausar*, Qom: Hejrat Publications Institute.

Javadi Amoli, Abdullah., Esra site, under verse 2 of Surah Ra'ad.

Kashani, Fathullah., (1957). *The method of al-Sadaqin in the obligation of the opponents*, Tehran, Mohammad Hasan Elmi bookstore. [in Persian]

Majlesi, Mohammad Bagher., (1982). *Bihar al-Anwar*, Beirut, Al-Wafa Institute Publications. [in Arabic]

Madaresi, Seyyed Mohammad Taqi., (1998). *I am Hoda al-Qur'an*, Tehran,

Dar Mohibi Al-Hussein.

- Mostarhami, Seyyed Isa., (2015). "The fundamental forces that preserve the cosmic system in the Qur'an", *Qur'an and Science Magazine, No. 19*, pp. 119-130.
- Mesbah Yazdi, Mohammad Taqi., (2003). *Qur'an Education*, Qom, Darrah Haq Institute.
- Mustafavi, Hassan., (2001). *Tafsir Roshan*, Tehran Book Publishing.
- Motahari, Morteza., (1978). *Collection of works*, Tehran, Sadra Publishing House [in Persian]
- Makarem Shirazi, Nasser., (1995). *Sample interpretation*, Tehran, Dar al-Kitab al-Islamiya. [in Persian]
- Niavardi, Ali bin Mohammad., (n.d.). *Al-Nakt and Al-Ayoun*, Beirut, Darul-Kitab Al-Alamiya, Mohammad Ali Bizoun's pamphlets. [in Arabic]
- Qureshi, Seyyed Ali Akbar., (1998). *Tafsir Ahsan al-Hadith*, Thhr., Be'aat Foundation.
- Ragheb Esfahani, Hossein bin Mohammad., (1991). *Al-Qur'an vocabulary words*, Beirut, Dar al-Shamiya. [in Arabic]
- Rezaei Esfahani, Mohammad Ali., (2008). *A research on the scientific miracles of the Qur'an, Rasht*, Ketab Mobin. [in Persian]
- Rezaei Esfahani, Mohammad Ali., (2003). *Textbook of Qur'an interpretation methods and tendencies*, Qom, World Center of Islamic Sciences.
- Rouhani Mashhadi, Farzaneh, Talebpour, Alireza, Zabihi, Azam, (2018). "Scientific interpretation (unintentional) about the "removal" and "creation" of the heavens in the Qur'an", *Journal of Tafsir Studies, No. 38*, pp. 89-108
- Saghafi Tehrani, Mohammad., (2019). *Tafsir Rovani Javed*, Tehran, Borhan Publications. [in Persian]
- Shazli, Seyyed bin Qutb bin Ibrahim., (1991). *In the shadows of the Qur'an*, Beirut, Dar al-Shoroq. [in Arabic]
- Shertuti, Saeed al-Khouri., (1982). *Aqrab al-Mawshar*, Qom, Marashi school charters.
- Sharif Razi, Muhammad bin Hossein., (1993). *Nahj al-Balagha*, corrected by Sobhi Saleh, Qom: Hejrat.
- Sadeghi Tehrani, Mohammad Hassan., (1986). *Al-Furqan fi Tafsir al-Qur'an*, Qom, Islamic Farhang Publications.
- Tabatabai, Seyyed Mohammad Hossein., (1996). *Tafsir al-Mizan*, Qom, Islamic Publications of the Qom Seminary Society.
- Tabarsi, Fazl bin Hasan., (1993). *Majmall Bayan Fi Tafsir al-Qur'an*, Tehran, Nasser Khosrow. [in Persian]
- Tabari, Muhammad bin Jarir., (1997). *Translation of Tafsir al-Tabari*, translated by Habib Yaghmai, Tehran, Tous Publishers, second edition. [in Persian]

واکاوی سیر تاریخی دیدگاه‌های مفسران پیرامون آسمان‌های بی ستون در ...؛ میراحمدی و تائبی | ۱۷۵

- Tousi, Muhammad bin Hasan., (1999). *Al-Tabyan fi Tafsir al-Qur'an*, Beirut, Dar Ihya al-Tratah al-Arabi. [in Arabic]
- Tantawi Johari., (1979). *Jawaharlal Qur'an, Beirut, Dar al-Kitab Al-Alamiya*, Mohammad Ali Bizoon's pamphlets. [in Arabic]
- Tayeb, Seyyed Abdul Hossein., (1999). *Atib al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an*, Tehran, Islam Publications. [in Persian]



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

استناد به این مقاله: میراحمدی، عبدالله، تائبی، مهین. (۱۴۰۰). واکاوی سیر تاریخی دیدگاه‌های مفسران پیرامون آسمان‌های بی ستون در آیه دوم سوره رعد، دو فصلنامه علمی سراج منیر، ۱۲(۴۳)، ۱۴۷-۱۷۵.

DOI: 10.22054/ajsm.2022.65136.1785



Seraje Monir is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.